

... دریغا که شقاوت جنگ افزوزان

چه بسیار اجاق حیات همسایه را به خاموشی
نشانند و عطر دل آویز نسیم را از مشام جان
ها ربود.

«وعده دیدار»

بار دگر به نام تو آغاز می کنم
آسیمه سر بسوی تو پرواز می کنم

تا قصه ای ز نکبت گل ها کنم ترا
راهی به خوابگاه سحر باز می کنم

سرد است روزگار به امید آفتاب
مکمن به کوی مهر سرفراز می کنم

ساز شکسته را به سخن می کشم شبی
با زخمه اش سرود ترا ساز می کنم

با بوسه ای چو وعده دیدار می دهی
در جان سراغ نرگس شیراز می کنم

در سایه های مبهم و گنگ گذشته ها
یاد ترا همیشه ورننداز می کنم

شبگیر کوچ می کند ای راهی سحر
ایوار* را بشارت این راز می کنم

تا کاروان به راه فلق سینه می کشد
خورشید را همواره من آواز می کنم

ایرج

* ایوار: هنگام عصر، نزدیک غروب آفتاب

بیانیه مهم نیروهای سیاسی در

زمینه تحولات ایران و منطقه

در صفحه ۲

مرگ و ویرانی بر فراز

عراق در ص ۸

همگام با جنبش کارگری و سندیکائی

بررسی فشرده یی از مبارزات

کارگران و زحمتکشان

مبارزات قهرمانانه کارگران و زحمتکشان میهن ما، طی سالیان گذشته با وجود آنکه از گستردگی چشم گیری برخوردار بوده، اما نتوانست به مرحله عالی تری فرا روئیده و دستاوردهای ملموس و قابل توجهی به همراه داشته باشد. بطور کلی، نقطه ضعف حرکات اعتراضی در این سالها را می

ادامه در صفحه ۴ و ۵



شماره ۶۵۸، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۲۶ فروردین ۱۳۸۲

رابطه با آمریکا و شرایط حساس و خطرناک

منطقه خاورمیانه

وسیع و سنگین نظامی آمریکا در منطقه اثرات مهمی در تحولات آتی ایران و منطقه به همراه خواهد داشت. اتخاذ سیاست های با درایت برای جلوگیری از ماجراجویی نظامی مسئله حیاتی امروز است.

در شرایط بسیار حساس و خطرناک کنونی باید تا حد ممکن برای مصالح و منافع عمده و اصلی کشور و حفظ استقلال و تمامیت ارضی هرگونه بهانه از دست هر نیروی متجاوززی گرفته شود. کشور در سیاست خارجی متناسب با امکانات و شرایطش عمل کند. در سیاست خاورمیانه اش توافق بین فلسطینی ها و اسرائیل را مبنای قرار دهد، باب مذاکره با آمریکا گشوده شود، زندانیان سیاسی و مطبوعاتی بی قید و شرط از زندانها آزاد شوند و به رای و نظر اکثریت مردم که طی سالیان اخیر در پای صندوق های رای اعلام شده است احترام گذاشته شود.

ما در هفته های اخیر شاهد رشد این درک درست و مهم هستیم که نیروهای ضد استبداد و دیکتاتوری در کنار هم و سازمان یافته حرکت

ادامه در صفحه ۶

سقوط حکومت دیکتاتوری صدام حسین در عراق، حضور صدها هزار نیروی نظامی با تجهیزات و امکانات تسلیحاتی وسیع و اظهار نظرهای نگران کننده برخی از محافل وابسته به هیأت حاکمه آمریکا درباره هدف های بعدی سیاست آمریکا در منطقه، در کنار بالا گرفتن بحران بن بست اصلاحات از بالا و تشدید نا رضایتی مردم از عدم دست یابی به خواست های حداقل شان، پس از گذشت بیش از پنج سال از رفراندوم عظیم دوم خرداد ۱۳۷۶، نگرانی های وسیعی را در محافل گوناگون اجتماعی برانگیخته است و در عین حال از مهم ترین مسایل و معضلات پیش روی میهن ماست. سقوط حکومت صدام حسین بدون مقاومت مردمی در مقابل نیروهای اشغالگر خارجی تأکیدی بر این نکته مهم بود که حکومت های ضد ملی، استبدادی و بدون پشتوانه مردمی، توان مقابله با خطرات خارجی را ندارند این عمده ترین درس از رخ دادهای اخیر در همسایگی ماست. آنچه روشن این است که تحولات روزهای اخیر در عراق، سقوط حکومت صدام و حضور

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

بیانیه نیروها و شخصیت های سیاسی و اجتماعی درباره تحولات عراق

مسأله سقوط رژیم صدام حسین و تحولات منطقه بازتاب وسیعی در میان نیروهای سیاسی کشور به همراه داشته است. گروه زیادی از شخصیت های سیاسی و اجتماعی کشور با انتشار بیانیه یی نگرانی های جدی خود را از اوضاع منطقه بیان کردند. در این اعلامیه از جمله می خوانیم: «یک بار دیگر جنگی خانمان سوز منطقه خاورمیانه را به آتش کشیده است. دولتهای آمریکا و انگلیس، برخلاف کلیه موازین بین المللی و علیرغم مخالفت اعضای سازمان ملل متحد و شورای امنیت و افکار عمومی مردم دنیا به بهانه استقرار دموکراسی و پایان دادن به دیکتاتوری صدام به عراق تجاوز نظامی کرده اند که نتیجه آن کشتار مردم بیگناه، نابودی میراث فرهنگی و سابقه تمدنی دیرپا و نقض حاکمیت یک ملت است. تردیدی نیست که صدام حسین یکی از خشن ترین و بیرحم ترین دیکتاتورهایی است که تاریخ معاصر به یاد دارد. مسلماً اگر حکومت عراق از پایگاه مردمی و پیوند دموکراتیک با ملت خود برخوردار بود چنین سرنوشت دردناکی نصیب این ملت رنج دیده نمی شد. چگونه می توان آن گونه که دولتهای مهاجم ادعا می کنند پذیرفت که این جنگ برای آزادی و مردم سالاری، حقوق بشر و نجات مردم عراق است در حالی که دولت اسرائیل تحت حمایت دولتهای آمریکا و انگلیس، از قبول قطعنامه های متعدد سازمان ملل متحد در مورد فلسطین استنکاف می ورزد و مردم فلسطین را به طور وحشیانه ای سرکوب می نماید. در شرایط کنونی، حضور مستقیم نظامی آمریکا در منطقه خاورمیانه موقعیت خاصی را بوجود می آورد که مهمترین و حیاتی ترین مسئله آن مقابله احتمالی حاکمیت ملی کشورهای منطقه و امنیت مردم از یک سو و برنامه های تجاوزگرانه دولت آمریکا برای نقض حاکمیت ملتها از طرق نظامی و نظایر آن از سوی دیگر است...»

بیانیه سپس با اشاره به خطراتی که این سیاست های ماجراجویانه می تواند برای میهن ما به همراه داشته باشد، یگانه راه نجات ایران از خطرات احتمالی را تقویت مردم سالاری در ایران اعلام می کند و می نویسد: «...برای پیشگیری از هر تجاوز احتمالی را وجهه همت خود قرار داده و با تحکیم و تثبیت مناسبات مردم سالارانه در روابط سیاسی و اجتماعی و رعایت موازین حقوق بشر، ضریب ثبات و امنیت کشور و ملت خود را افزایش دهند. ما امضاء کنندگان زیر: ۱ - مراتب اعتراض و مخالفت شدید خود را با استفاده از جنگ و اعمال سلطه نظامی به عنوان ابراز حل مشکلات داخلی و استقرار مردم سالاری در عراق اعلام می نماییم. ۲ - براین باوریم تنها حکومتی در عراق حق جایگزینی رژیم صدام را دارد که توسط خود مردم عراق، از هر مذهب، نژاد و قومیتی، از طریق یک رفراندوم و انتخابات آزاد با نظارت کامل سازمان ملل متحد برسر کار آید. ۳ - با جدی دانستن

تهدیدهای خارجی علیه ایران امیدواریم مسئولان نظام جمهوری اسلامی نیز با توجه کامل به شرایط حساس کنونی این واقعیت انکار ناپذیر را مورد قبول قرار دهند که پذیرش و اعمال قواعد دموکراسی مهمترین اقدام برای مقابله با وسوسه نقض حاکمیت ایران از سوی دولتهای خارجی و هرگونه تجاوز است. آنچه قدرت های خارجی، به خصوص آمریکا و انگلیس می خواهند بر ایران تحمیل کنند، لزوماً تأمین کننده اهداف و نظرات ملت ایران نخواهد بود. ۴ - برای مقابله با تهدیدهای جدی خارجی و برون رفت از انسدادهای کنونی و به منظور کاهش تشنجات سیاسی و فراهم آمدن زمینه وحدت کلیه نیروها و امکانات در درون کشور و بلا موضوع شدن برنامه های دخالت خارجی به نظر لازم می رسد که تصمیم گیرندگان اصلی ضرورت وفاق ملی را بپذیرند و در راستای تحقق آن: - موافق موجود در راه اعمال خواسته ها و مطالبات ملت از طریق مجلس و دولت منتخب را برطرف کنند. - کلیه زندانیهای سیاسی، از دانشجویان، استادان، روحانیون، روزنامه نگاران، حقوقدانان و فعالان سیاسی را آزاد سازند و مانع نقض قانون اساسی، حقوق قانونی ملت و خدشه بر مردمسالاری و نقض حقوق بشر شوند. - احکام صادره علیه روزنامه ها و نشریاتی را که بدون تشکیل دادگاه توقیف شده و موجبات برخورد با روزنامه نگاران را فراهم آورده اند، لغو نمایند و زمینه ساز بازگشت حق آزادی بیان، قلم و مطبوعات گردند. - با تغییر و اصلاح قانون انتخابات، به نظارت استصوابی پایان دهند و راه را برای تحقق حق حاکمیت ملت هموار سازند. - اعمال فشار علیه احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی، فرهنگی را خاتمه دهند و زمینه لازم را برای استقرار کامل قانون اساسی و آزادی فعالیت احزاب و گروهها فراهم آورند. - کلیه اقدامات فراقانونی نهادهای رسمی و غیر رسمی را متوقف سازند. تنها در صورت تحقق این مطالبات و حفظ شأن و منزلت ملت بزرگ ایران است که می توان امیدوار بود با کاهش تشنجات سیاسی، فضای مناسب و مساعدی برای ایجاد وحدت و انسجام ملی فراهم گردد و جامعه ایران در برابر تهدیدهای خارجی مصونیت یابد...» در میان انبوه امضاء کنندگان این بیانیه از جمله اسامی عزت الله سبحانی، اکبر گنجی، هاشم آغا جری، علیرضا علوی تبار، ابراهیم یزدی، عمادالدین باقی، حبیب الله پیمان، حمیدرضا جلالی پور، تقی رحمانی، احمد زیدآبادی، علیرضا رجایی، ماشالله شمس الواعظین، عیسی سحرخیز، حسین انصاری راد، محسن کدیور و نرگس محمدی به چشم می خورد. حزب توده ایران ضمن استقبال از این حرکت و ابراز نظر مشترک درباره تحولات منطقه و خطراتی که آینده منطقه را تهدید می کند، همان طور که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما نیز اشاره شده با این نظر هم عقیده است که تنها در شرایط حساس کنونی باید با اتخاذ سیاست های هوشیارانه و متکی بر خواست اکثریت توده ها بر خطرات احتمالی فایق آمد. ما همچنین با این نظر هم عقیده ایم که آینده ایران و حرکت به سمت استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی تنها به نیروهای سیاسی - اجتماعی میهن ما مربوط است و از این رو ما به شدت با هر دخالت خارجی در اوضاع ایران به شدت مخالفیم.

ادامه طرح آمریکا برای ایجاد امپراطوری ...

طراحی شده است. این شخصیت ها همگی از طراحان اصلی «نظم نوین جهانی» هستند که استقرار آن پس از سقوط کشورهای سوسیالیستی در شرق اروپا از سوی جورج بوش «پدر» در سال ۱۹۹۱ مطرح شد.

طوفان اقتصادی

مسیر وصول به امپراطوری مستقیم و ساده نخواهد بود. قبل از شروع این جنگ آمریکا مواجه با بحران اقتصادی بود و جنگ نیز آنرا بیشتر به لبه پرتگاه خواهد راند.

بهترین سناریو برای جورج بوش مشاهده رژه سربازان آمریکایی از درون خیابان های ویران شده بغداد خواهد بود. هالیبرتون و دیگر کمپانی های آمریکایی در حالی که قرارداد های پرمفعتی را برای اشغال، بازسازی و سودبری از نفت عراق در چنگ می فشارند بلا فاصله به دنبال آن ها وارد بغداد خواهند شد.

شوک و وحشت ناشی از این منظره ممکن است که در کوتاه مدت موقعیت دلار را تقویت کند. چرا که برای تجار و مقامات اداری فاسد هیچ جایی بهتر و امن تر از وال استریت، سنگر مالی تنها ابرقدرت جهان، برای نگهداری و مخفی کردن آن چه از زحمتکششان به یغما برده اند، وجود نخواهد داشت.

ولی از هم اکنون ابرهای تیره بر افق بوش ظاهر شده اند. ادامه ورود این پول به وال استریت به این معنی است که ایالات متحده در حدود دو و نیم (۲/۵) تریلیون دلار مقروض است و این بدهی هر ساله ۵۰۰ میلیارد دلار افزایش می یابد. اقتصاد بیمار آمریکا برای اینکه به عملکرد خود ادامه بدهد به مثابه یک ضرورت مالی به جذب سرمایه خارجی نیاز دارد. بازپرداخت قرض های گذشته و همچنین تامین مالی کسر موازنه پرداخت های جدید مستلزم ورود سرمایه های جدید می باشد.

حتی اقتصاددانان ساختار های طرفدار آمریکا در صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در رابطه با عواقب و آینده نامشخص و بی ثبات دلار آمریکا صحبت می کنند. صندوق بین المللی پول اعلام خطر کرده است که عدم موازنه تجاری آمریکا «ریسک قابل ملاحظه ای» را متوجه ثبات مالی در جهان می کند.

هزینه اشغال عراق، و تحمیل جنگ های بی انتها بر ضد دشمنان بی انتها، انباشته، و بدهی خارجی آمریکا بزرگتر خواهد شد. در طولانی مدت مردم جهان که حتی همین حالا از جنگ بوش بر ضد عراق عصبانی هستند، که سوبسید امپریالیسم آمریکا ادامه یابد، راضی نخواهند ماند.

ساختار های زیربنایی نابود شده عراق آماده شده اند. ماهیت این شرکت ها در سندی سری در رابطه با طرح بازسازی عراق، طرحی که بخشی از بار مالی آن به دوش مالیات دهندگان آمریکایی خواهد بود، که اخیراً در مجله «بیزینس» چاپ انگلستان منتشر شد، افشاء گردید. اصلی ترین این کمپانی ها شرکت «هالیبرتون» می باشد که تا دو سال پیش دیک چنی، معاون رئیس جمهور آمریکا، در آن نقشی اصلی داشت و هم اکنون نیز از سهامداران آن است. بین سال های ۲۰۰۰-۱۹۹۵ چنی مدیر عامل کمپانی هالیبرتون بود. این شرکت در ماه های اخیر در رابطه با قرارداد های سودآوری که با ارتش آمریکا دارد در مجاورت واحدهای نظامی آمریکایی در ترکیه و کویت به انجام پروژه هایی که ارزش آن ها بالغ بر یک میلیارد دلار می باشد، مشغول بوده است. افشاء رابطه نزدیک دیک چنی و هالیبرتون و سر و صدا های اعتراضی باعث شد که برخی تغییرات در شکل قراردادها با هدف وانمود کردن اینکه هالیبرتون از لیست شرکت های طرف قرارداد مستثنی شده است، اعلام گردد ولیکن در اساس شرکت های وابسته به آن برنده قرارداد های عمده در رابطه با بازسازی عراق می باشند.

و اگر شاهد و مدرکی برای اثبات این حقیقت که دولت بوش مجموعه ای از انحصارات اصلی تسلیحاتی - نفتی آمریکا می باشد، لازم بود، این که ۹ عضو کمیته مشاور وزیر دفاع، دونالد رامسفلد، روابط کلیدی با شرکت هایی که در طول دو سال گذشته ۷۲ میلیارد دلار قرارداد دفاعی - نظامی با دولت آمریکا منعقد کرده اند، کافی می باشد.

طرح بازسازی عراق بر طبق نقشه های پنتاگون و دولت آمریکا نیازمند انعقاد قرارداد با شرکت هایی است که وظایف متنوعی را شامل بازگشایی حداقل نیمی از «جاده ها و پل های به لحاظ اقتصادی مهم»، چیزی در حدود ۴۰۰۰ کیلومتر جاده، بر روی ترافیک سریع السیر می باشد. قرارداد با شرکت های آمریکایی همچنین تعمیر ۱۵ درصد شبکه برق فشار قوی، نوسازی هزاران مدرسه و تهیه ژنراتور های تولید برق اضطراری را دربر خواهد گرفت. پنج شرکت ساختمانی عمده که طرف قرارداد های مرتبط با بازسازی عراق هستند شامل گروه بشتل، گروه فلئور، کلوگ براون و رووت (یک شرکت زیر گروه هالیبرتون)، گروه لوئیس برگر و کمپانی عظیم پارسونز می باشند. ارزش قرارداد بازسازی عراق بالغ بر ۹۰۰ میلیون دلار می باشد جالب این است که برخی از این قرارداد ها بیش از سه ماه پیش منعقد شده اند. حقیقت اینست که دکتربوش که عملکرد دولت ایالات متحده را هدایت می کند بیش از ۱۲ سال پیش توسط نیروهای محافظه کاری از قبیل پل ولفویتز، بیل کریستول، ریچارد پرل، دیک چنی و دونالد رامسفلد

آزادی برای همه

زندانیان سیاسی ایران!

ادامه همگام با جنبش کارگری و سندیکایی ...

توان در پراکنندگی آن جمع بندی کرد. دهها و صدها اعتصاب بزرگ و کوچک در واحدهای مختلف سراسر کشور به وقوع پیوسته که برخی از آنها به لحاظ کیفیت مطلوب سازماندهی، فوق العاده عالی بودند اما هیچ یک از این اعتراضات ماحصل برجسته نداشت و این به نوبه خود بیانگر نوعی اقدامات تدافعی توسط کارگران و زحمتکشان است.

عوامل گوناگونی در گستردگی جنبش اعتراضی زحمتکشان از یک سو و پراکنندگی آن از سوی دیگر موثر می باشند که، شناخت و تحلیل درست آنها با هدف ارتقا کیفی سطح مبارزات از اهمیت فراوان برخوردار است. گستردگی جنبش کارگری - سندیکایی در درجه نخست به این امر مربوط می باشد که این جنبش بر بستر تحولات عینی جامعه رشد کرده، پا به پای جنبش دموکراتیک سراسری کشور و به عنوان ستون فقرات آن، مسیری اعتلانی را تا امروز طی کرده است. پراکنندگی این جنبش نتیجه شرایط مشخص - تاریخی است که اکنون در مقیاس ملی و بین المللی عمل می کند. از آنجا که مجموعه جنبش مردمی کشور بطور مشخص در نقطه زمانی معینی که وجه اساسی آن نا مساعد بودن اوضاع بین المللی و فشار و یورش سرمایه داری جهانی است، مجموعه روند مبارزه زحمتکشان و خلق های تحت ستم در چهار گوشه جهان را تحت تاثیر خود قرار داده است، از نظر داخلی نیز نبود یک جبهه واحد از همه نیروها و احزاب مخالف استبداد تاثیر بازدارنده داشته است. به علاوه سرکوب شدید و خونین جنبش کارگری در دهه شصت خورشیدی، پی آمدهای خاص خود را تا امروز حفظ کرده است.

برای آن که طبقه کارگر بتواند این دوره معین را با کمترین ناکامی ها از سر بگذراند و از دست آوردهای تاریخی خود حفاظت کرده و آینده را نیز تخمین نماید راهی جز مبارزه پیگیر، توأم با صبر و شکیبایی به همراه حد اعلای هوشیاری و خردمندی ندارد. احیای سازمان های سندیکایی، هم چنان موثرترین محور مبارزه برای کامیابی به شمار می یابد. از این رو برای ایجاد تشکل های مستقل صنفی باید بطور خستگی ناپذیر مبارزه کرد.

وظیفه ای خطیر و تاریخی

در چند سال گذشته یورش به دستاوردهای طبقه کارگر ایران ابعاد بی سابقه ای یافت که در مقایسه با سال های گذشته گویای حجم و ژرفای توطئه ارتجاع و کلان سرمایه داری ایران است. این حملات بی امان و پی در پی وظایف طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و حزب طبقه

کارگر - حزب توده ایران - را دو چندان و پیچیده تر کرده و می کند.

کارگران و زحمتکشان به عنوان مهمترین و کارآمدترین گردان جنبش مردمی در دو عرصه مبارزه ای دشوار و بغرنج را پیش بردند، مبارزه برضد ارتجاع و مدافعان ذوب در ولایت و مبارزه برای تامین حقوق و منافع طبقاتی خود! به بیان دقیق تر، زحمتکشان ایران در شرایطی مبارزه خود را ادامه دادند که در صحنه سیاسی کشور، رویارویی و نبرد با ارتجاع مراحل حساس و حادی را پشت سر می گذارد. در این اوضاع حساس، ضرورت سازماندهی گردانهای مختلف جنبش مردمی بیش از گذشته موضوعیت داشت و همین امر وظیفه ای خطیر و تاریخی را بر دوش کارگران و زحمتکشان می نهاد. از یک طرف، تمام نیرو و امکانات کارگران در راه عقیم گذاردن و در هم کوبیدن توطئه های رنگارنگ مدافعان ذوب در ولایت متمرکز بود و از طرف دیگر بخش بزرگی از امکانات و توان جنبش کارگری - سندیکایی صرف مقابله و افشای سیاست های ضد کارگری و تسلیم طلبانه اصلاح طلبان حکومتی شد.

برنامه ای به نام سیاست زدائی

از ویژگی های اساسی سالیان اخیر در ارتباط با جنبش کارگری سندیکایی تبلیغات مداوم و پر حجم رژیم پیرامون به اصطلاح اثرات مخرب فعالیت سیاسی توسط کارگران بود.

رژیم ولایت فقیه برنامه ای به نام " فرهنگ بیشتر - سیاست کمتر " را تدوین و به مرحله اجرا در آورده است. این برنامه با توجه به رشد جنبش مردمی و خصلت آشکار آزادیخواهانه و عدالت جویانه آن و برای پیش گیری از تحولات مترقی تهیه شده است.

محمد رضا تاجیک از مبتکران این طرح که مشاور محمد خاتمی و رئیس دفتر بررسی های استراتژیک ستاد ریاست جمهوری می باشد، دلایل این طرح را چنین عنوان کرده است. " ظهور ناهنجاری های مختلف اجتماعی - فرهنگی و ارزشی و همچنین نارسائی های اقتصادی و معیشتی چالش های فرا روی دولت اصلاحات است. چالش های محیط خارجی و حاد شدن خصلت اعتراض های اجتماعی و بالا رفتن استعداد بحران زائی جامعه از زمره دیگر چالش های دولت اصلاحات شده می شوند... "

این سیاست ناظر بر مهار کلیه جنبش های اجتماعی، بویژه موثرترین و نیرومندترین آنها جنبش کارگری است. در راستای این استراتژی، رژیم ولایت فقیه برنامه هدفمندی را برای جنبش کارگری - سندیکایی تدارک دیده است. رژیم با توجه به رشد و بلوغ جنبش کارگری بطور سیستماتیک در صدد سیاست زدائی از مبارزات است. مواضع اخیر وزیر کار مبنی بر اینکه: پیگیری اهداف سیاسی در تشکلهای صنفی نتایج معکوس به همراه دارد. خود بهترین گواه این واقعیت است.

در سال گذشته این سیاست با ظرافت خاصی تبلیغ می شد. کوشش عنودانه برای ترسیم مرزبندی مصنوعی میان خواستهای صنفی با خواست های سیاسی از سوی رژیم ولایت فقیه صورت گرفت. اینگونه تبلیغ شد که اصولاً مبارزه کارگران باید فقط صنفی - رفاهی باشد. اگر کارگران رنگ سیاسی به مبارزات خود بدهند منافع و حقوق اقتصادی آنها پایمال خواهد شد!

علیرضا محجوب، دبیر کل خانه کارگر وابسته به حکومت این هدف رژیم را چنین بیان کرد: جامعه کارگری (بخوان طبقه کارگر) باید با تمسک به فرهنگ اتحادیه ای تمام توان خود را در صنفی کردن حرکت های خود متمرکز کند علت اصلی

ادامه همگام با جنبش کارگری و سندیکایی ...

برنامه سیاست زدائی از جنبش های اجتماعی به ویژه جنبش کارگری را باید در این نکته کلیدی دید که رژیم از مبارزه زحمتکشان برضد سمتگیری اقتصادی اجتماعی ضد ملی خود بیمناک و هراسان است. رژیم ولایت فقیه می کوشد، مبارزه را صرفاً در افقی محدود مهار کرده و نگذارد به مراحل بالاتر و افق های گسترده تر فرا برود. مبارزه ای که صرفاً در چارچوب منافع صنفی - رفاهی باقی بماند قادر نخواهد بود امنیت شغلی کارگران و منافع آنان را تامین کند. مبارزه صنفی امری مستقل از مبارزه سیاسی نیست. این هر دو جنبه در عین محتوای مستقل دارای ارتباط دیالکتیکی با هم هستند.

تلاش برای سیاست زدائی از سوی رژیم در واقع تلاش برای اجرای برنامه های دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است!

طرح نو سازی صنایع

یکی از عرصه های مخالفت بنیادین زحمتکشان با رژیم ولایت فقیه بر سر سمت گیری اقتصادی - اجتماعی آن است. کارگران دریافته اند اگر دستمزد آنها پائین تر از نرخ واقعی تورم تعیین می شود، اگر امنیت شغلی آنها با خصوصی سازی به خطر می افتد و اگر قراردادهای موقت چون یوغی بر گردن آنها سنگینی می کند، همه و همه نتیجه مستقیم سمت گیری اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه است و بدون مبارزه با این سمت گیری، منافع آنها تامین نخواهد شد.

به همین سبب برنامه های اقتصادی جمهوری اسلامی که هر دو جناح بر سر آن توافق کلی دارند همواره با مخالفت قاطع زحمتکشان رو به رو شده است.

در سال گذشته بر پایه این سمت گیری چند طرح و لایحه از تصویب مجلس گذشت. ابتدا، دولت لایحه نو سازی و باز سازی صنایع نساجی را به مجلس فرستاد و مجلس نیز مهر تصویب بر آن نهاد. این طرح تماماً ضد کارگری با محتوای کاملاً ارتجاعی بود که با پایمال کردن حقوق زحمتکشان شاغل در صنایع نساجی، منافع کلان سرمایه داران ایران به ویژه بخش دلالی آن سرمایه تجاری را تامین می کند

پس از آن در اسفند ماه سال ۸۰، لایحه حمایت از تاسیس مجتمع های بزرگ و متمرکز قالی بافی به تصویب رسید. طرح مذکور آنچنان ضد کارگری است که حتی علیرضا محجوب نیز در مخالفت با آن گفت: "با این مصوبه ما وارد عصری شده ایم که اگر بگوئیم عصر وحشیانه ای برای کارگران است سخنی به گزاف نگفته ایم ... مصوبه مجلس به وضوح نشان داد که صدای پای سرمایه داری وحشی می

آید، سرمایه داری که نه به قانون، مقررات و نه به احکام دینی و شرعی پایبند است."

بر اساس متن و محتوای این مصوبه، کلیه کارگران قالی باف، پیمانکار تلقی می شوند. یعنی از ستوت یک کارگر طبق قانون کار جدا هستند. افزون بر این مزایای گوناگون شامل حق باز نشستگی، بیمه بیکاری، پرداخت مستمری به بازماندگان و جز اینها به آنها تعلق نمی گیرد. به این ترتیب کلیه کارگران شاغل در کارگاههای قالی بافی سراسر کشور از شمول قانون کار خارج شده و استثمار و وحشیانه شامل حال آنها می شود.

این طرح ادامه همان برنامه ای است که قبلاً به آن اشاره کرده بودیم، تامین امنیت سرمایه با نیروی کار ارزان و مطیع! دو طرح نامبرده، بخشی از برنامه کلی هستند که اخیراً از تصویب هیئت دولت به ریاست محمد خاتمی گذشته است.

در نخستین جلسه هیئت وزیران در سال ۱۳۸۱ خورشیدی، طرح نو سازی صنایع از تصویب گذشت و به زودی به مجلس ارائه خواهد شد. لایحه نو سازی صنایع بخشی از سیاست کلی است که صندوق بین المللی پول به رژیم ولایت فقیه دیکته کرده و اجرای اکید آنرا خواستار شده. یکی از موارد بسیار مهم در این لایحه اصلاح قانون کار است.

مطابق این لایحه با اصلاح قانون کار نظیر آنچه در طرح حمایت از تاسیس مجتمع های بزرگ و متمرکز قالی بافی در نظر گرفته شده، کارگران از بسیاری از حقوق مسلم و اولیه خود محروم شده و امنیت سرمایه و سود تضمین می شود. به علاوه، بار دیگر همچون سال های نخستین دهه ۷۰ خورشیدی، سیاست تعدیل نیروی انسانی در ابعادی به مراتب گسترده تر پیاده خواهد شد.

از هم اکنون از صنایع فولاد و خودرو سازی به عنوان گام های نخست اجرای نو سازی صنایع که طبق آن نیروی کار مازاد باید اخراج شود، سخن در میان است. معاون وزیر صنایع چندی پیش یاد آور شد، در صنعت فولاد و صنعت خودرو سازی نیروی کار بیش از ظرفیت لازم وجود دارد. در صنایع فولاد شمار کارگران ۴ برابر نیروی مورد نیاز است ... ناچار به تعدیل نیروی انسانی هستیم.

وحدت و تشکیلات

با آنچه مورد اشاره قرار گرفت، می توان دریافت طبقه کارگر ایران باید خود را برای مبارزه ای حیاتی و تعیین کننده آماده سازد.

تجربه حاکی از اینست که باید سازماندهی مطلوب را به هر شکل ممکن و از هر راه عملی در جنبش کارگری - سندیکائی برقرار کرد.

باید با تمام نیرو و با توسل به همه اشکال مبارزه و با هوشیاری و درایت طبقاتی مبارزات پراکنده را به یکدیگر متصل ساخته و در برابر یورش های پی در پی سرمایه و رژیم منفور ولایت فقیه مانع و سد ایجاد کرده و آنها را خنثی نمود. سمت گیری اقتصادی اجتماعی رژیم ضربات جبران ناپذیر و بنیادین بر دستاوردها و حقوق کارگران و زحمتکشان وارد می سازد. طبقه کارگر برای دفع این ضربات به وحدت و تشکیلات نیازمند است. اینست آن محور اساسی که باید برای آن بطور خستگی ناپذیر مبارزه و تلاش کرد.

آمریکا به دنبال چه چیزی است؟

دولت بوش که در ابتدا تحت نام "خلع سلاح" صدام و از بین بردن "سلاح کشتار جمعی" در عراق، تهدیدهای خود بر ضد این کشور را آغاز کرده بود، با گذشت زمان و به سرعت آن را به "تغییر رژیم" عراق تبدیل کرد. جورج بوش با مخالفت با پیشنهاد برکناری و یا استعفای صدام که از سوی برخی کشور های عربی مطرح شد، و به رغم اعلام نظر بازرسان شورای امنیت سازمان ملل در مورد عدم وجود سلاح کشتار جمعی در عراق، اعلام کرد که به هر صورت به عراق حمله خواهد کرد و سرانجام نیز با همکاری دولت انگلستان و در مخالفت با افکار عمومی جهانیان و سازمان ملل متحد، به عراق حمله کرد.

اکنون مشخص شده است که آمریکا طرح های خود را برای آینده پس از صدام خیلی پیش از یورش، آماده کرده بود و با آغاز جنگ اعلام کرد که نیروهای نظامی آمریکایی برای شش ماه در عراق باقی خواهد ماند و پس از تشکیل یک دولت موقت از سوی آمریکا، به مرور زمان "اداره کشور" را به "عراقی ها" منتقل خواهند کرد. معاون وزارت دفاع آمریکا، پل ولف ویتز "در این مورد گفت: "عراق ممکن است بیش از شش ماه تحت کنترل نظامی آمریکا قرار گیرد، تا زمانی که ایالات متحده کنترل آن را به عراقی ها واگذار کند." (گاردین ۷ آوری ۲۰۰۳) او با اشاره به اینکه برای ایجاد دولت کردها در شمال عراق بیش از شش ماه زمان لازم بود، گفت: این مورد به مراتب پیچیده تر است و بطور یقین به زمان بیشتری نیاز خواهد بود. "او همچنین اشاره کرد که "نقش مهمی برای سازمان ملل متحد در بازسازی عراق و یا کنترل آن در نظر گرفته نشده است." امری که با مخالفت سایر کشورهای جهان و سازمان ملل متحد و حتی انگلستان روبرو شده است. آمریکا تلاش دارد تا با این اقدام در عمل سازمان ملل را کنار بگذارد و بدون هر گونه مقاومتی، به تنهایی کنترل عراق و منابع سرشار نفتی و معدنی آن را به دست بگیرد.

دولت بوش همچنین مصر است که با تعیین "دولت موقت" آنچنان شرایطی به وجود آید که دولت های آتی عراق برای دوره ای طولانی حامی منافع آمریکا باشند.

دولت بوش در رابطه با چگونگی کنترل عراق اعلام کرده است که "دولت موقت، تحت نظارت ژنرال بازنشسته آمریکایی، جای گارنر، شروع به کار خواهد کرد و در حال حاضر نیز بسیاری از افراد برای حکومت موقت در عراق تعیین شده اند." (نیویورک تایمز ۲۵ مارس ۲۰۰۳). به رغم ادعاهای دولت بوش در مورد دولت موقت در عراق، از اوضاع چنین بر می آید که باید همانگونه که در افغانستان اتفاق افتاد، انتظار اشغالی طولانی را در عراق داشت. آمریکا با اشغال عراق به دنبال دست یابی برای طرح های خود در راه کسب ایجاد "نظم نوین" جهانی و سرکردگی جهانی است. سرکردگی یی که در مسیر خود حتی متحدان امپریالیستی آمریکا را نیز در بر خواهد گرفت. با اشغال عراق، از سوئی ایالات متحده تولید نفت این کشور و چگونگی عرضه آن به بازار جهانی را کنترل خواهد کرد. (عراق دومین کشور جهان از لحاظ ذخایر نفتی است و منابع نفتی آن تاثیری تعیین کننده در عرضه نفت و قیمت آن دارد).

آمریکا از این طریق می تواند فشار را بر روی کشورهای اروپایی، چین و ژاپن که بزرگترین طرف های قرار دادهای نفتی با کشورهای خاور میانه هستند، افزایش دهد و در واقع نبض تغییرات اقتصادی آنها را در دست بگیرد. همچنین می تواند قیمت نفت را کنترل کند و اوپک را که سازمان تعیین کننده نفت برای کشورهای عضو و میزان تولید برای آنهاست، در عمل منزوی سازد و این گروه از کشورها را نیز از نظر اقتصادی دچار اختلال کند و تحت کنترل درآورد.

در کنار این ها باید اضافه کرد که در پی جنگ عراق ارتش آمریکا حضوری بی سابقه در منطقه خواهد داشت و این خطر مداخله ایالات متحده و ارتش آن را در کشور های دیگر افزایش خواهد داد. به لحاظ اقتصادی دولت آمریکا امیدوار است که امتیاز های کسب شده بتواند با تقویت بخش صنایع نظامی، سیستم اقتصادی انگلی این کشور را وادار به تحرک کند و آن را از بحرانی طولانی که با آن دست به گریبان است نجات بخشد. سیاست ها و عملکرد آمریکا این حقیقت را آشکار می سازد که حمله آمریکا به عراق، در اساس با هدف ایجاد امکان سلطه بر خاور میانه و باز کردن راه برای هژمونی جهانی صورت گرفت و شعار های "مبارزه بر ضد تروریسم" و ایجاد "دموکراسی"، تنها به مثابه ابزاری برای تحقق این هدف مورد استفاده ابزاری قرار گرفتند.

ادامه رابطه با آمریکا...

هایی را برای مقابله با توطئه های ارتجاع سازمان دهی کرده اند. سازمان دهی حرکت های عملی، از جمله اتخاذ سیاست و مواضع مشترک، همچنان که در بیانیه مشترک شمار زیادی از سازمان ها و شخصیت های سیاسی، در روز جمعه، تیلور یافت، گامی مهم در بسط این همکاری ها و اتخاذ سیاست های عملی مشترک در قبال تحولات منطقه، جامعه و در مصاف با ارتجاع حاکم است. این چنین حرکت هایی نشان می دهد که مرزهای ارتجاع «خودی و غیر خودی» به سرعت در حال فروپاشی است و تنها ملاک قضاوت درباره نیروهای گوناگون موضع گیری و عمل آنها در قبال منافع توده هاست.

حزب توده ایران با توجه به شرایط فوق العاده بحرانی منطقه و میهن ما همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور را به اتحاد عمل و حرکت مشترک برای مقابله با تهدیدات خارجی و فراهم آوردن زمینه تحقق اصلاحات بنیادین، دموکراتیک و پایدار فرا می خواند. با تحقق چنین اصلاحاتی امر نزدیکی و یگانگی مردم با حکومت مبتنی بر خواست و اراده آزاد خلق های ایران عملی می شود و این همان زمینه استواری است که مقاومت شکست ناپذیر مردم را در مقابل هر نوع تجاوز خارجی به میهن تضمین می کند.

منافع ترکیه از جنگ آمریکا بر ضد عراق

با لا گرفتن روند جنگ در عراق و تمرکز خبرها در این باره ، سبب شده است تا سایر خبرها کمتر مورد توجه قرار گیرند و این بهانه ای شده است تا رژیم های سرکوبگر منطقه سرکوب نیروهای ملی و یا جنبش های آزادیخواهانه را گسترش بدهند. در اسرائیل ، دولت شارون قتل عام مردم را شدت بخشیده است و در تلاش برای از بین بردن دولت و ملت فلسطین ، تمامی قوانین انسانی ، مدنی و بین المللی را زیر پا گذاشته است . در سوی دیگر ، ترکیه به نام "دفاع از تمامیت ارضی" خود و "مبارزه با تروریست های کرد" با گسیل نیروهای نظامی خود و استقرار آنها در مرزهای عراق ، علاوه بر سرکوب نیروهای مبارز کرد ، تلاش می کند تا از پیکر دریده شده عراق سهم خود را به دست آورد . در روز ۲۶ مارس ، ژنرال "اوز کوک" ، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح ترکیه ، با اعلام آمادگی و حضور نیروهای نظامی ترکیه و آمادگی آنها برای عمل از ایالات متحده خواست تا نیروهای بیشتری را به شمال عراق اعزام نکند . پیش از آن نیز ، بنا به رسانه های گروهی ترکیه و سایر رسانه های خبری جهان ، ایالات متحده و ترکیه در مذاکرات خود مساله حضور نیروهای ترکیه در شمال عراق به مثابه بهایی برای اجازه دادن به هواپیما های آمریکایی و انگلیسی برای پرواز بر فراز ترکیه را مورد مطالعه و گفتگو قرار دادند . اختلاف دو طرف بر سر دامنه عملکرد نیروهای کرد عراقی بود . در حالی که طرح های ایالات متحده متکی بر شرکت عملی نیروهای کرد عراقی در عملیات بود ، دولت ترکیه شرایط مرزهای خود را بحرانی اعلام کرده و امکان درگیری بین نیروهای کرد و ارتش ترکیه را جدی می دانست .

اما از آنجائی که دولت بوش که انتظار یک پیروزی سریع را داشت در عمل با مقاومت جدی در جنوب عراق روبرو شد ، از گشودن جبهه وسیع در شمال صرف نظر کرد و فقط به عمل نیروهای ویژه آمریکایی در جبهه شمال بسنده کرد . در این میان ، قرار شده است تا ایالات متحده یک میلیارد دلار کمک بلاعوض و ۸.۵ میلیارد دلار وام جدید در اختیار ترکیه قرار دهد تا "ضررهای ناشی از جنگ به این کشور" را جبران کند . (نیویورک تایمز ۲۶ مارس)

در این رابطه ، پنتاگون تاکید کرد که نیروهای مسلح کرد به طور رسمی تحت رهبری ایالات متحده سازماندهی شده اند تا بتوانند به نیروهای ویژه آمریکا در شمال عراق کمک برسانند .

نخست وزیر ترکیه "اردوغان" نیز در یک مصاحبه تلویزیونی در ۲۳ مارس گفت که "آمریکا و ترکیه توافق کرده اند تا نیروهای ترکیه در یک منطقه محدود ، به طول ۱۹ کیلو متر در مرزهای شمال عراق ، مستقر شوند." (کانال خبری آسیا دات کام ۲۴ مارس) بنا به گفته "اردوغان" هدف از استقرار نیروها در مرزهای عراق ، جلوگیری از ورود هزاران پناهنده عراقی است که در مرزهای جنوبی این کشور هستند و دیگر اینکه

"تروریست های" کرد را تعقیب کنند. روز ۲۱ مارس ، مجلس ترکیه به پرواز هواپیما های آمریکائی و انگلیسی بر فراز این کشور رای داد . این در حالی است که سه هفته پیش ، مجلس با ورود ۶۲ هزار سرباز آمریکائی به ترکیه و ایجاد پایگاهی در شمال عراق ، مخالفت کرده بود. اردوغان ، رهبر حزب حاکم و به ویژه ارتش ترکیه ، خواستار همکاری با ایالات متحده هستند ، اما مخالفت افکار عمومی با جنگ و تظاهرات وسیع خیابانی سبب شد تا دولت ترکیه شرایط آمریکا را نپذیرد. از این رو در توافقی بینابینی که صورت گرفت ، ترکیه با پرواز هواپیماهای آمریکائی و انگلیسی بر فراز این کشور و عبور تجهیزات آنها به شمال عراق از مسیر ترکیه ، موافقت کرد .

ترکیه در زمره کشورهایی است که بالاترین کمک های مالی و نظامی را از آمریکا دریافت کرده است و در مدتی طولانی سرکوب نیروهای کرد توسط دولت های حاکم در ترکیه ، مورد حمایت واشنگتن بوده است. از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۹ در عملیات خونین سرکوب کردها توسط ارتش ترکیه بیش از ۳۰ هزار نفر که اکثر آنها غیر نظامی بوده اند ، کشته شده اند .

ترکیه با در نظر گرفتن شرایط منطقه و فرصتی که بدست آمده ، تلاش دارد تا مزایایی را از آمریکا و یا اتحادیه اروپا بدست آورد . بنا به گزارش ساندى تایمز لندن ، سه روز قبل از حمله به عراق ، ملاقاتی بین نمایندگان آمریکا و انگلیس با دولت ترکیه در آنکارا صورت گرفت که در آن چگونگی ترکیب گروه های "پوزیسیون" در عراق و برخی رهبران کردهای عراق بررسی شد و اشاره گردید که برخی از این افراد در لیست حقوقی سازمان سیا قرار دارند. (ساندی تایمز ۲۳ مارس)

در حالی که کردهای عراق در شمال این کشور ماه ها است که مخالفت خود را با این جنگ اعلام کرده اند ، رهبران "اتحادیه میهنی کردستان" (PUK) و "حزب دموکرات کردستان" عراق (KDP) ، به نیروهای آمریکایی بر ضد رژیم صدام پیوسته اند ، و این در حالی است که دولت ترکیه با این اتحاد مخالف است . بنا به گزارش رویتر هر دو حزب کرد موافقت کرده اند تا تحت رهبری مستقیم نیروهای آمریکائی عمل کنند. (رویتر ۱۸ مارس) اما آنچه که اهمیت دارد ، آن است که منافع آمریکا و ترکیه در شمال عراق و منافع کردها برای رسیدن به حقوق خود و خود مختاری ، فاصله بسیار زیادی دارد و بطور کلی برای آمریکا و ترکیه اهمیتی ندارد که چه بر سر کردها در ترکیه ، عراق و یا ایران می آید . هردو کشور آمریکا و ترکیه ، نیروهای آزادیخواه و مبارز کردستان را دشمن می شمارند و سال های سال است که آنها را تحت شدیدترین فشارها قرار داده اند .

ایالات متحده بطور رسمی اعلام کرده است که هدف اولیه آنها دادن امنیت و محافظت از دو منطقه نفتی ، کرکوک و موصل است . دولت بوش نمی خواهد که نیروهای مسلح کرد ، حتی آنهایی که متحدان آمریکا هستند ، در این مناطق نفوذ پیدا کنند و تمایلی ندارد تا کنترل و یا منافع نفتی این منطقه را با کسی تقسیم کند . ترکیه نیز با کنترل این مناطق به دست کردها مخالف است و آن را خطری جدی می داند که می تواند به تقویت اقتصادی و نظامی کردها بیانجامد .

ترکیه که در حال حاضر با وضعیت اقتصادی و سیاسی بسیار متزلزلی رو به رو است ، تلاش می کند تا از سوئی با بهره گیری از موقعیت فعلی ، امتیازهای اقتصادی و سیاسی را در راه کاهش بحران های درونی خود بدست آورد و از سوئی دیگر ، با استفاده از بحران ایجاد شده برای سرکوب نیروهای آزادیخواه و جلوگیری از افزایش فعالیت کردها و سایر نیروهای مترقی استفاده کند و تا که مدتی ، هر چند کوتاه هم که شده ، صداها را در گلو خفه کند .

ملل را برای تضمین نظم و حفاظت در مقابل آنا‌رشی و هرج و مرج مورد تصریح قرار می دهد.

دولت بوش لیستی از کشورهای دارد که در رابطه با جنگ، اشغال و استعمار برای آن ها خط و نشان کشیده شده است. تجربه عراق قرار است به مثابه یک نمونه برای تحمیل نظم استعماری در مسیر تاسیس امپراطوری آمریکایی مورد بهره برداری قرار گیرد. همانگونه تونی بن، سیاستمدار برجسته حزب کارگر و از متفکرین جنبش ترقیخواهانه چپ انگلیس، می گوید: «اگر ما به ایالات متحده اجازه بدهیم که سازمان ملل را نابود کند- آنگونه که رئیس جمهور سابق آمریکا جیمی کارتر در مراسم قبول جایزه صلح نوبل در رابطه با آن اعلام خطر کرد و استفاده از جنگ های پیشگیرانه را به مثابه بازگشودن راه خشونت از طرف یک کشور بر علیه یک کشور دیگر را محکوم نمود- آنگاه تنها قانون، قانون جنگل خواهد بود.»

«مورد نمونه» (عراق) هم اکنون با یک بحران انسان دوستانه مواجه است. کمیته بین المللی صلیب سرخ در نیمه اول فروردین اخطار کرد که استقرار مجدد و سریع سیستم آب آشامیدنی در بصره حیاتی می باشد. ندا دومان، سخنگوی صلیب سرخ، گفت: «فراهم کردن آب آشامیدنی به حد کافی برای جمعیت محلی حیاتی است چرا که درجه حرارت در طول روز از ۱۰۰ درجه فارنهایت بالا تر می رود.»

یکی از مهلک ترین خطرات برای مردمی که در معرض هرج و مرج و بی خانمانی قرار می گیرند، عدم وجود آب آشامیدنی و سیستم بهداشت و فاضلاب می باشد. کودکان، زنان باردار و سالمندان همه مواجه با تهدید اسهال و بیماری هایی هستند که از طریق آب آلوده سرایت می کند.

لاشخورها بر فراز عراق

به مثابه بخشی از پروسه جایگزینی و نابودی سازمان ملل، کمپانی های آمریکایی برای چپاول کردن وغارت شهرها و

ادامه در صفحه ۳

مرگ و ویرانی بر فراز عراق

طرح آمریکا برای ایجاد امپراطوری و تسلط جهانی

مرحله نظامی تجاوز و اشغال غیرقانونی عراق توسط ایالات متحده آمریکا عملاً در شرف تکمیل است. اظهارات سران دولت آمریکا همه دلالت بر قصد این کشور به کنترل استعماری عراق و منابع سرشار زیرزمینی آن دارد. به گزارش رسانه های گروهی از هم اکنون و حتی قبل از سقوط کامل دولت بعثی در عراق یک فرمانروای آمریکایی در قالب ژنرال بازنشسته «جای گارنر» برای اداره این کشور گمارده شده است. «جای گارنر» رئیس «اداره بازسازی و کمک های انساندوستانه» آمریکا است که همانند دیگر ساختارها و آژانس هایی که دولت بوش ایجاد کرده است، نظیر «اداره امنیت داخلی»، نام بی مسمایی دارد. «اداره بازسازی» در واقع مرکز سازماندهی تلاش های آمریکا برای غصب کردن نقش سازمان ملل به عنوان بخشی از هدف منحل کردن این ساختار جهانی و جایگزین کردن آن با نیروهای نظامی آمریکایی جهت حفظ هژمونی ایالات متحده می باشد.

مقاصد واقعی آمریکا در رابطه با عراق و منطقه خاورمیانه از محتوای مقاله افشاء کننده ای به قلم «ریچارد پرل» که اخیراً در مجله «اسپکتاتور» منتشر شد، کاملاً عریان می باشند. «ریچارد پرل» یکی از طراحان نقشه های جنگی آمریکا است و تا اوایل فروردین ماه جاری در مقام مسئول کمیته سیاست گذاری دفاع آمریکا که نقش مشاور پنتاگون را دارد، عمل می کرد. گرچه او بدنبال اختلاف نظرهایی در رابطه با مراحل عملیاتی طرح حمله نظامی به عراق از مسئولیت این کمیته کنار رفت ولی هنوز هم عضو این ساختار مهم سیاست گذاری در دولت بوش می باشد.

پرل در مقاله خود تحت عنوان: «شکر خدا برای مرگ سازمان ملل» اظهار می دارد: «دوران حاکمیت ترور صدام حسین در شرف پایان است. او خیلی سریع از صحنه خارج خواهد شد، ولیکن تنها نخواهد بود. اودر خداحافظی طنز آلود خود همچنین سازمان ملل را نیز به زیر خواهد کشید. در زمانی که ما در میان ویرانه های باقیمانده از جنگ مشغول بررسی و تفکیک هستیم، این مهم است که جسد تفکر متفرعانه لیبرالی در رابطه با امنیتی که از طریق قانون بین المللی و توسط موسسات بین المللی اعمال می شود، را حفظ کرده و این مرگ را درک کنیم.»

پرل در ادامه مقاله طرفداری خود از «ائتلاف هم نظران» به جای سازمان

کمک های مالی

هدیه نوروژی همافر به حزب شهدا ۳۵ پوند

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر ونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 658
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

15 April 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse